روزنامه شرق

سه‌شنبه ۷ بهمن ۱۳۹۹ • ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ • ۲۶ ژانویه ۲۰۲۱

سال هجدهم • شماره ۳۹۲۵ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

در دیدار با خانواده شهید صورت گرفت

تجلیل مقام معظم رهبری از شهید فخری‌زاده

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: خانواده دانشمند برجسته و ممتاز هسته‌ای و دفاعی کشور شهید محسن فخری‌زاده عصر دوشنبه با مقام معظم رهبری دیدار کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار با تجلیل از برجستگی‌های...

صفحه ۳

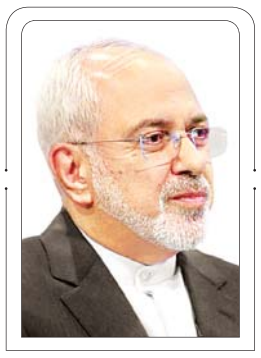

باکو اولین مقصد وزیر خارجه ایران

تور قفقازی ظریف

گروه دیپلماسی: وزیر خارجه ایران در اولین مرحله از تور قفقازی خود راهی باکو شد تا با مقامات جمهوری آذربایجان دیدار کند. محمدجواد ظریف در این سفر با الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان و جیحون بایرامف، وزیر خارجه...

صفحه ۴

هیچ دستگاه و مرکزی مسئول بررسی پول‌شویی در حراجی‌های بزرگ تهران نیست

مقصد پنهان پول‌شویان

صفحه ۵

عکس: سهند تاکی، شرق

گفت‌وگو با عباس آخوندی:

نقدجدی به دولت و اصالت مواضعش وارد است

روحانی باید تا آخرین لحظه پای برجام می‌ایستاد

به‌کارگیری قدرت سخت در برابر نرم یعنی باخت

روحانی خودش تضعیف برجام را کلید زد

صفحه ۳

تیترها

نقش جن‌گیران در اتخاذ تصمیمات مرموزانه

جن‌گیران و مسئولان

صفحه ۲

معرفی ۱۵ اصلاح‌طلب برای نهاد اجماع‌ساز

نامزد غیراصلاح‌طلب از دستور کار خارج شده است؟

صفحه ۲

روزهای نفس‌گیر تزار

صفحه ۸

شکایت نمایندگان مجلس از ظریف، کلانتری و آخوندی

صفحه ۲

«صفر» مورد نظر بالاخره پاک شد

صفحه ۱۱

رایزنی آمریکایی-اسرائیلی درباره ایران

صفحه ۴

سرمقاله

موانع احیای برجام

جاوید قربان‌اوغلی . دیپلمات بازنشسته

جو بایدن با گذر از مناقشات ترامپ علیه نتیجه انتخابات و برگزاری آرام و به دور از تشنج مراسم تحلیف در کاخ سفید مستقر شد و زمام اداره کشور را در دست گرفت. او در اقدامی که اکثر تحلیلگران آن را گام بزرگی در جهت زدودن میراث سوء و شوم حکومت چهارساله ترامپ ارزیابی کردند، فرامین اجرائی متعددی را امضا کرد که این اقدام با استقبال بسیاری از کشورها روبه‌رو شد. فرمان بازگشت آمریکا به پیمان اقلیمی پاریس، سازمان بهداشت جهانی، لغو منع ورود شهروندان عمدتا مسلمان و بازنگری آثار سوء تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای دیگر در مبارزه با کرونا در زمره این فرامین هستند. رهبران جهان رویکرد بایدن را نشانه مثبتی از تغییر در مشی چهارساله آمریکا در دوره ترامپ، عزم این کشور برای همکاری با جهان، مسئولیت‌پذیری بین‌المللی و بازگشت به همه‌جانبه‌گرایی می‌دانند. با این حال آنچه بیش از همه این موارد به ما مربوط می‌شود و احتمالا مطالبه‌ای در سطح ملی است، وعده بایدن و اعضای ارشد تیم همراه او در بازگشت آمریکا به توافق ۱+۵ است. علت این امر هم روشن است؛ اول اینکه برجام توافقی بین‌المللی است که ترامپ خودسرانه از آن خارج شد. دیگر اینکه خروج از برجام و اتخاذ سیاست فشار حداکثری و تحمیل تحریم‌های یک‌جانبه، اثرات مخربی در اقتصاد و اوضاع داخلی ایران داشته است.

در بیان چرایی قرارنگرفتن این موضوع در اولویت بایدن گمانه‌زنی‌های فراوانی مطرح و گفته شده که پرونده‌های مهم بسیاری در سیاست داخلی و خارجی از اولویت بالاتری نسبت به توافق ۱+۵ برخوردار است. یکی از مهم‌ترین اولویت‌های بایدن در صد روز اول غلبه بر شکاف و گسلی است که پیامد چهار سال سیاست جنون‌آمیز ترامپ در اولویت‌دادن به سفیدپوستان افراطی و تحقیر دیگر اقلیت‌های قومی است که پس از شکست در انتخابات اوج گرفت و بی‌سابقه‌ترین رویداد در تاریخ آمریکا را در حمله به کنگره رقم زد. تحولی که به نظر بسیاری از تحلیلگران در صورت فقدان برخوردی منطقی و معالجه آن از سوی نخبگان آمریکا در دوره بایدن، با پشتوانه ۷۰ میلیون رأی ترامپ می‌تواند منجر به یک شکاف داخلی و جنگ شود. پرونده مهم دیگری که اتفاقا سهمی قابل توجه در جذب آرای مردم و پیروزی بایدن در مقابل ترامپ داشت، اپیدمی کروناست. آمریکا از نظر تعداد مبتلایان حدود ۲۵ درصد دنیا را به خود اختصاص داده است. سهم این کشور در آمار مرگ‌ومیر نیز تقریبا در همین حد است. بنابراین به نظر می‌رسد کرونا از ضروری‌ترین موضوعاتی است که رئیس‌جمهور جدید درگیر آن است. میراث ترامپ در سیاست خارجی و استراتژی کلان آمریکا از دیگر موضوعات با اولویت بالا برای بایدن است. پرونده‌هایی نظیر نوع تعامل با چین در جنگ تجاری که ترامپ با دومین قدرت اقتصادی جهان کلید زد و همچنین مسابقه تسلیحاتی با روسیه و ضرورت تغییر در سیاست‌های آمریکا در قبال پوتین که در دوره ترامپ کنار گذاشته شده بود، از دیگر اولویت‌های تیم بایدن است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

چگونه وضعیت ایران بسامان می‌شود؟

حسین حقگو
کارشناس اقتصادی

۱- در یکی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس درباره بودجه به این تحلیل مختصر برمی‌خوریم: «انتظار از بودجه برای معجزه به‌جای اصلاح دولت و اقتصاد به راه اشتباه رفتن و دور خود چرخیدن است پس راه چاره، اصلاح بیخ و بنیان و تاروپود اقتصاد است. اقتصاد باید متنوع، غیرمتکی به نفت و دارای درآمدهای پایدار باشد و دولت هم باید خوش‌فکر، متکی به خواست و اراده مردم و به‌دنبال مصلحت بلندمدت مردم (و نه صرفا رضایت کوتاه‌مدت آنها) باشد تا تصویر ترکیبی آن یعنی بودجه هم اصلاح شود» (بودجه به زبان ساده- مرکز پژوهش‌های مجلس- دی‌ماه ۹۷). به‌نظر می‌رسد بخش مهمی از مشکل این روزهای میان دولت و مجلس حول لایحه بودجه سال آینده را بتوان در چارچوب عبارات فوق معنا کرد. البته مسائل دیگری و چه‌بسا بسیار اساسی نیز در ارتباط با این دو نهاد وجود دارد؛ چراکه از منظر سیاسی بودجه بازتاب‌دهنده جهت‌گیری گروه‌های ذی‌نفع در تجهیز و تخصیص منابع و توزیع منافع هم هست. اما اگر این بخش از مسئله را عجالتا کنار بگذاریم و انتظارات رؤیایی دولتمردان از بودجه برای اصلاح نظام اقتصادی کشور را در کانون توجه قرار دهیم، آنگاه با مشکل بزرگ فقدان مدل و الگوی اقتصادی علمی و مورد توافق و اجماع در درون ساختار کشور مواجه می‌شویم که اساس مشکلات امروزه کشور است. همان ابرچالشی که رشد اقتصادی کمتر از دو درصد (۱/۹۸درصد) و تورم ۲۰ درصد (۱۹/۶۶ درصد) در چهار دهه اخیر را رقم زده است و در صورت عدم توافق فکری و عملی و اجماع ملی بر سر آن الگوی اقتصادی، وضع این‌چنین می‌شود. چنانکه معاون اول رئیس‌جمهور یکی، دو روز قبل گفت: «در طول برنامه‌های توسعه کشور همواره بر رشد مستمر و پایدار اقتصادی یا افزایش ۳۰ درصدی رشد اقتصادی از محل بهره‌وری تأکید شده اما در پایان برنامه‌های توسعه این اهداف محقق نشده است...

ادامه در صفحه ۲

حرف اول

تأملی در باب برآمدن ترامپ و عاقبت کارش

مظفر جهانگیری

۱-صحنه بالارفتن طرفداران دونالد ترامپ از دیوارهای ساختمان کنگره ایالات متحده آمریکا آدمی را به یاد همه صحنه‌های مشابهی می‌اندازد که در تاریخ معاصر به بزنگاهی برای فهم و ادراک تغییرات اجتماعی و سیاسی جهان بدل شده‌اند. شبیه صحنه بالارفتن آلمانی‌های هیجان‌زده از دیوار برلین و تسخیر سفارت آمریکا در ایران که هر کدام نشانه‌ای شدند از پایان یک عصر و آغاز فصل تازه‌ای در حیات کشورها و روابط بین‌الملل. آیا باز تاریخ در حال عبور از یک کریوه دیگر است؟ زمینه‌ها و دلایلی که معترضان آمریکایی را برای یورش به نهاد قانون‌گذاری تهییج کرد نه‌تنها برای دولت و شهروندان ایالات‌متحده آمریکا اهمیت دارد، بلکه با شدت و ضعفی کمابیش مشابه برای سایر کشورهای دنیا نیز گران و قابل تأمل است. این اهمیت صرفا از آن منظر نیست که بیش از یک‌چهارم ثروت دنیا در اختیار آمریکاست یا در اینکه نهادهای اقتصادی و سیاسی‌اش می‌توانند بر رفتارها و تصمیم‌های بقیه دنیا آثار قاطعی به‌جا بگذارند. یا نمادین‌تر از همه، در ارتش غول‌آسایش نیست که در ۱۵۰ کشور دنیا حضور نظامی دارد؛ اهمیت موضوع در این است که دونالد ترامپ و هوادارانش با این کار، پس از پیروزی در انتخابات ۲۰۱۶ و کسب بیشترین رأی برای یک بازنده در انتخابات ۲۰۲۰، جبهه آسیب‌پذیر ایالات متحده آمریکا را با وضوح و روشنی به نمایش گذاشتند.

۲- تاریخ معاصر جهان، پیش‌روی ماست. در نیمه دوم قرن بیستم و پس از تخریب کامل حیثیت و قدرت نظامی کشورهای اروپایی در جنگ‌های نیمه اول قرن، ایالات متحده در مقابل دنیایی تشنه منابع و نیازمند اداره‌شدن، به اهمیت جهانی‌شدن واقف شد. توجه «جورج کنان» به این نکته که آمریکا تنها شش درصد جمعیت دنیا را دارد با ۵۰ درصد ثروت آن، سرآغاز فصلی در تاریخ شد که جنگ سرد، جنگ‌های منطقه‌ای، توسعه نهادهای بین‌المللی و جهانی‌سازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در خود داشت. تحولاتی که می‌شود گفت ایالات متحده آمریکا به عنوان شهسوار فرهنگ سرمایه‌داری و تنها بازمانده سالم تمدن غربی در آنها تصمیم گرفت به قول امیر عنصرالمعالی (صاحب کتاب قابوسنامه) چاشت را بر سفره دشمنان خود بخورد. می‌توان تاریخ نیمه دوم قرن بیستم را روایتی آمریکایی دانست از فرایند خلق و کاربست مفهوم «هژمونی». یعنی تبدیل ایالات متحده آمریکا به ایالات متحده دنیا. تفاوت بارزی که این ارباب خودخوانده دنیا با اسلافش در امپراتوری‌های پیشین داشت، درک آن بود از این موضوع که بدون کسب قدرت نرم، برتری نظامی ارتش و وابستگی اقتصادی بقیه دنیا به ثروت ایالات متحده آمریکا نمی‌توانست پیچیدگی لازم برای خلق هژمونی را فراهم آورد. یا اگر دقیق‌تر بگوییم، فقدان هژمونی، هزینه‌های مدیریت جهان سرمایه‌داری را تا سطح غیر قابل تحملی بالا می‌برد.با درنظرگرفتن شکست نسبی تجارب پیشین که پیوستگی کاملی با شیوه‌های تعلیمی- تأکیدی دارند، لازم بود تا شیوه‌ای جدید و متفاوت برای خلق قدرت نرم در پیش گرفته می‌شد. راهکاری که بدین منظور نهادهای فرهنگی ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپای غربی و بعدتر بقیه دنیای به اصطلاح آزاد از دهه ۱۹۴۰ به بعد اختیار کردند، رویکردی تهاجمی برای امتزاج نهادهای سرمایه‌داری با پدیده‌های فرهنگی بود. رویکردی که تفکیک بین بانک جهانی، سازمان یونسکو، روزنامه لوموند و تلویزیون سی‌ان‌ان را به امری ممتنع یا لااقل بی‌معنا و بیهوده می‌کرد و در عمل مدرنیته را به‌مثابه هم‌پیمان طبیعی سرمایه‌داری مدرن معرفی کرد. روند کالایی‌شدن خبر امکان سرمایه‌گذاری در خلق رسانه‌های بسیار بزرگ را فراهم آورد و اقتصاد مصرف‌گرا صنعت تبلیغات و سرگرمی را به بالاترین مراتب توجه و سودآوری رساند. این روند آنچنان شتابی به خود گرفت که در دهه آخر قرن بیستم صنعت فرهنگ غربی توانست برای کاربرد قدرت سخت آمریکا و یارانش در هر جای دنیا توجیهات لازم را از دل ارزش‌های انسانی فراهم آورد و برای مخالفان هژمونی، انفعال و شرمندگی اخلاقی در انظار جهانی و افکار عمومی تدارک بیند؛ امری برخلاف شکست‌های حیثیتی و سیاسی دوران جنگ‌های دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با ویتنام، کوبا و... روندی آن‌قدر موفق که بدون شلیک حتی یک گلوله لهستان، صربستان، گرجستان، اوکراین، قرقیزستان و... را از دست روسیه خارج و به اردوگاه غرب ملحق کرد. در این زمینه فکری و رسانه‌ای بود که فرانسیس فوکویاما مغرورانه خبر از پایان تاریخ داد.

۳-پس از پیروزی در کارزار حذف دولت‌های کمونیستی از معادلات و چالش‌های بین‌المللی، توسعه اینترنت و فضای مجازی و سایر ابزارهای تعامل فردمحور مهم‌ترین و آخرین حربه ایالات متحده دنیا در تکمیل‌کردن هژمونی‌اش به نظر می‌رسد. فضای مجازی را می‌توان ترکیبی از همه ارکان هژمونیک ایالات متحده دنیا دانست؛ از فردگرایی مدرنیته، کالایی‌شدن خبر، جهانی‌شدن اقتصاد و ارزش تجاری یافتن اطلاعات خصوصی و دولتی، ملغمه‌ای پدید آمد که نماد و ابزار ارتباطات انسانی معرفی شد؛ روی بستر مدیریت داده‌های نظامی دولت ایالات متحده آمریکا و تحت مدیریت و سازماندهی جمعی از زیرک‌ترین وکلا و روان‌شناسان و رفتارشناسان و بازاریابان نظام سرمایه‌داری. اما همان‌طورکه فوکویاما با مشاهده ظهور جنبش‌های اسلام‌گرا به‌سرعت متوجه شد، پایان تاریخ به این سادگی‌ها نیست. واقعه روز ششم ژانویه ۲۰۲۱ در واشنگتن‌دی‌سی را می‌توان از منظرهای متعددی به تفسیر و تحلیل نشست. از منظر تکنیکی روش‌های کنترل جمعیت شورشی گرفته تا رفتارشناسی حرکت‌های توده‌ای. می‌توان تأثیر کاراکتر و منش دونالد ترامپ در به‌وجودآمدن آن را بررسی کرد یا مثلا ریشه‌های ملتهب کینه‌های باقی‌مانده از زمان جنگ‌های داخلی آمریکا را. می‌توان به فرهنگ عامیانه آمریکا پرداخت و نقش گروه‌هایی مثل کوکلوکس‌کلان و کیوانان و پراود بوی. اما این واقعیت که همه این عوامل سال‌ها در بطن تاریخ و جامعه آمریکا وجود داشته‌اند و باوجود تنش‌های گاه‌به‌گاه هرگز قصدی برای حمله به ارکان دموکراسی آمریکا را نداشتند، ذهن را به سوی این پرسش می‌کشاند که آیا این یورش نشانه‌ای از تردید در باب کارآمدی ابزارهای هژمونیک ایالات متحده دنیا نیست؟

ادامه در صفحه ۴

روزنامه «شرق» در راستای تداوم زنجیره فعالیت‌های فرهنگی و انتشاراتی خود در نظر دارد در سال جاری سررسید جامع ۱۴۰۰ را با نام «سررسید قرن» منتشر کند. سررسید «قرن» مجموعه‌ای محتوامحور از تمامی رویدادهای مناسبتی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، هنری و اجتماعی خواهد بود که مشابه آن در هیچ سررسیدی وجود نخواهد داشت. تیم تولید محتوای «شرق» با چند ماه کار پژوهشی، مجموعه‌ای از مناسبت‌های ملی- تاریخی- بین‌المللی را با تفکیک مناسبت‌های شمسی/میلادی/قمری تدارک دیده‌اند که مجموعه این کار پژوهشی در سررسید قرن به همراه تصاویر چهره‌ها منتشر خواهد شد. همچنین در سررسید ۱۴۰۰ به بهانه پایان قرن شمسی و ورود به قرن تازه، مجموعه‌ای از صد عکس-رویداد مهم قرن به همراه شرح آن منتشر خواهد شد که به نظر می‌رسد این مجموعه برای روزنامه‌نگاران، پژوهشگران و مدیران واجد ارزش کاربردی-آرشیوی باشد. اطلاعات مراکز فرهنگی شامل سینماها، تئاترها، گالری‌ها و... در تهران و شهرستان‌ها نیز در این سررسید در دسترس خواهد بود.

سررسید قرن

روزنامه شرق

قابل توجه هنرمندان نویسندگان، روزنامه‌نگاران مدیران و مخاطبان فرهیخته روزنامه شرق

درج آگهی و اسپانسرینگ
۸۶۰۳۶۱۱۹

سفارش و پیش‌خرید
۸۸۹۰۳۵۴۸

آگهی مناقصه/مزایده عمومی
۳۰/م/۹۹ دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران
رجوع به صفحه ۸

جناب آقای پوریا عالمی
مصیبت درگذشت پدر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می کنیم. از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای شما صبر آرزومندیم.
روزنامه شرق